



عادل شمردگی تنها به وسیله‌ی ایمان

اصل ایستادگی یا سقوط کلیسا

حمید حاتمی

مارتین لوتر با شجاعت و ایمانی استوار اعلام کرد: «عادل شمردگی تنها به وسیله‌ی ایمان، اصل ایستادگی یا سقوط کلیساست» (Justificationis dicitur articulus stantis et cadentis ecclesiae). به این معنا که این باور تعیین می‌کند یا کلیسا پایدار باقی می‌ماند و یا سقوط می‌کند. این آموزه نه تنها یکی از حقایق مسیحی، بلکه سنگ بنای ایمان مسیحی و شالوده‌ی وجود، هویت و وفاداری کلیسا به شمار می‌رود (یعنی پایه‌ای که کلیسا بر آن استوار است و بدون آن نمی‌تواند به عنوان کلیسای راستین ادامه دهد). این تعلیم راستین و ریشه‌دار اعلام می‌کند که انسان گناهکار، تنها از راه ایمان به کار کامل مسیح (یعنی فداکاری او بر صلیب که گناهان را کاملاً پاک کرد)، بدون تکیه بر شایستگی‌ها یا تلاش‌های انسانی (مانند اعمال نیک یا آیین‌های مذهبی)، در پیشگاه خدای قدوس عادل شمرده می‌شود (یعنی خدا او را به خاطر ایمانش می‌پذیرد و گناهانش را می‌بخشد). این حقیقت نه صرفاً باوری در کنار دیگر باورها، بلکه سنگ زاویه‌ی وجود و وفاداری کلیساست (به این معنا که بدون این باور، کلیسا از نظر روحانی فرو می‌ریزد). در روزگاری که اشتیاق به وحدت در میان شکاف‌های مذهبی فزونی گرفته، جست‌وجوی صلح و گفت‌وگوی خیر خواهانه و انسان دوستانه «اگر ممکن است، به قدر قوه‌ی خود با جمیع خلق به صلح بکوشید» (رومان ۱۲: ۱۸) نباید به بهای سازش بر سر حقایق بنیادین انجیل تمام شود؛ حقایقی که در کتاب مقدس به روشنی آشکار شده‌اند. در جهانی آکنده از ابهام و تمایزات ناپیدا، عادل شمردگی تنها به وسیله‌ی ایمان، چون چراغی فروزان می‌درخشد و با نوری درخشان، راه پیش روی ما را منور می‌کند.

با این حال، وسوسه‌ای همیشگی در کمین است: اینکه زمینه‌های مشترک، به ویژه در مسائل اجتماعی یا اخلاقی (مانند کمک به فقرا یا دفاع از عدالت)، بر حقیقت الاهیاتی اولویت پیدا کرده و خلوص انجیل را کمرنگ کند (یعنی پیام نجات از طریق ایمان به حاشیه رانده شود). از دیدگاه اصلاح‌شده‌ی اعترافی (یعنی باورهای رسمی پروتستان که بر اساس اصلاحات لوتر و کالوین شکل گرفته‌اند)، این اصل حیاتی با قاطعیت، آموزه‌ی عادل شمردگی تنها به وسیله‌ی ایمان را در برابر تعلیم نادرست کلیسای کاتولیک روم تأیید می‌کند؛ نه از سر دشمنی با هیچ فردی، بلکه از ایمانی خلل‌ناپذیر به کفایت بی‌چون‌وچرای فیض مسیح (یعنی باور به اینکه تنها فیض مسیح برای نجات کافی است، بدون نیاز به هیچ افزودنی). نظام پیچیده‌ی شایستگی‌های آیینی (یعنی آیین‌ها و مراسم مذهبی مانند عشای ربانی یا اعتراف به گناه نزد کشیش که گمان می‌رود انسان را به خدا نزدیک‌تر می‌کنند)، عدالت القایی (باوری که می‌گوید انسان با کمک فیض خدا به تدریج در درون خود عادل و پاک می‌شود) و آموزه‌های برزخ (جایی که معتقدند گناهان پس از مرگ با رنج و عذاب پاک می‌شوند) در کلیسای کاتولیک روم، هرچند چون بنایی عظیم سر برافراشته، اما کفاره‌ی کامل و کافی مسیح (یعنی فداکاری‌ای او که یک‌بار برای همیشه گناهان را پاک کرد) را در پس خود پنهان می‌کند.



در برابر این تعالیم غیر کتاب مقدسی، صدای انجیل با صراحت طنین انداز است: جان تنها از راه ایمان، از بند اسارت اعمال رها می‌شود و تنها در خون مسیح، نجات عطا می‌شود. هنگامی که کلیسای کاتولیک روم سنت‌ها، مرجعیت انسانی (مانند اقتدار پاپ یا تصمیمات شوراهای کلیسایی فراتر و بالاتر از کتاب مقدس)، شفاعت قدیسان و مریم را در کنار کار بی‌همتای مسیح قرار می‌دهد، وجدان انسان را به چرخه‌ای بی‌پایان از تلاش‌های بی‌ثمر گرفتار می‌کند (یعنی انسان را وادار می‌کند مدام برای کسب نجات تلاش کند بدون رسیدن به آرامش حقیقی)؛ چرخه‌ای که هرگز نمی‌تواند نجات را به ارمغان آورد. اما عادل شمردگی تنها به وسیله‌ی ایمان، همچنان فریادی رسا و استوار است: حقیقتی که یا کلیسا با ایستادگی بر آن پابرجا می‌ماند، و یا در نبود آن سقوط می‌کند.

صیانت از انجیل فیض

دوستان عزیز فارسی‌زبان و ایرانی، با دلی آکنده از اندوه، شاهد روندی نگران‌کننده در برخی خدمت‌های ایرانی—واقع در بریتانیا و دیگر عزیزان در آمریکا و ترکیه—و نیز در میان برخی از ایمان‌داران هستیم. دوستانی که تا چندی پیش در برابر پذیرش جراحی تغییر جنسیت در شرایط خاص (یعنی عملی که جنسیت خلق شده توسط خدا را تغییر می‌دهد و با نظم آفرینش الهی در تضاد است، چنان‌که در کتاب مقدس آمده که خدا انسان را مرد و زن آفرید [پیدایش ۱: ۲۷]) در کلیسا سکوت اختیار کردند، امروز در تلاش برای پرداختن به مسائل اجتماعی، بشردوستانه و حتی به‌ظاهر حقوق بشری، آگاهانه یا ناآگاهانه، عامدانه یا غیرعامدانه، به برجسته‌سازی جنبه‌هایی از آموزه‌ها، زندگی و خدمات پاپ فرانسیس روی آورده‌اند، با تمرکز بر موضوعاتی چون عدالت اجتماعی یا یاری به فقرا، و حتی دعا برای کلیسای جفادیده در ایران—موضوعاتی که کلیسای کاتولیک روم درباره‌ی آن‌ها مواضع عمومی اتخاذ کرده است. نگران‌کننده‌تر آنکه، با پیامدهایی عمیق از منظر روحانی، برخی در روزهای اخیر در مقاله‌ها، مصاحبه‌ها و حضورهای رسانه‌ای خود به ستایش از پاپ فرانسیس پرداخته و زندگی و اعمال او را الگویی برای ایمان مسیحی معرفی کرده‌اند. برای بسیاری از ایرانیان مسیحی و غیرمسیحی—از جمله والدین، اعضای خانواده و دوستان ما—که با تفاوت‌های بنیادین میان کلیسای کاتولیک روم و انجیل کتاب مقدسی ناآشنا هستند، این رویکرد به سوءتفاهمی غم‌انگیز انجامیده است، تا جایی که کلیسای کاتولیک روم را برابر با مسیحیت راستین می‌پندارند و بدین ترتیب، پیام حقیقی انجیل به‌گونه‌ای نادرست منتقل شده و بشارت داده می‌شود. حتی با ابراز تسلیت برای درگذشت پاپ فرانسیس به همه‌ی مسیحیان و کاتولیک‌ها، برخی او را در آستانه‌ی معرفی به‌عنوان یکی از رهبران کلیسا قرار داده‌اند. این تفکر که خود را در مقام سخن‌گویان جامعه‌ی فارسی‌زبان مسیحی قرار می‌دهند و خود را جزو کلیسای پروتستان می‌دانند، اما هیچ تعهدی به آنچه نهضت اصلاحات و پروتستان در طول پانصد سال گذشته تعلیم داده و برای آن ایستادگی کرده است، ندارند.

امیدوار بودیم آنان که در برابر میلیون‌ها ایرانی از طریق دوربین‌ها سخن می‌گویند، از این فرصت‌های بی‌نظیر بهره بگیرند تا با محبتی شفاف، پیام پرشکوه انجیل فیض را اعلام کنند و روشن‌گرانه توضیح دهند که با وجود ظاهر فریبنده، نظام کلیسای کاتولیک روم نماینده‌ی مسیر حقیقی نجات الهی نیست. این همسویی با کلیسای کاتولیک روم—حتی اگر ناخواسته باشد—



پیامی گمراه کننده و خطرناک منتقل می‌کند: این تصور که ما، به عنوان ایمان‌داران به انجیل راستین، در اصول و اساس نجات با نظام کلیسای کاتولیک روم اشتراک داریم. هیچ چیز نمی‌تواند به این اندازه از حقیقت دور باشد. این سردرگمی خطر آن را دارد که انجیلی را که بسیاری برای آن تحت فشار، مخالفت و حتی جفا ایستادگی کرده‌اند، در هاله‌ای از ابهام پنهان کند. خطر اصلی نه در پرداختن به دغدغه‌های اخلاقی مشترک، بلکه در این است که تحسین برنامه‌های اجتماعی، همسویی الیهاتی را القا کند (یعنی به مخاطب این حس را بدهد که ما در باورهای اصلی با کلیسای کاتولیک روم هم‌نظریم)، در حالی که در مهم‌ترین مسائل، مانند عادل‌شمردگی و نجات (یعنی چگونگی آموزش گناهان و رسیدن به خدا)، هیچ وحدتی میان ما و کلیسای کاتولیک روم وجود ندارد. کلیسا تنها یک سر دارد و آن سر، خداوند عیسی مسیح است (افسسیان ۱: ۲۲-۲۳: «او را سر همه چیز به کلیسا داد، که بدن اوست، یعنی پُری او که همه را در همه پر می‌سازد»؛ کولسیان ۱: ۱۸: «او بدن یعنی کلیسا را سر است، زیرا که او ابتدا است، و نخست‌زاده از مردگان تا در همه چیز او مقدم شود»). هیچ نهاد انسانی، حتی اگر ریشه‌ای ژرف در تاریخ داشته باشد، و هیچ رهبری، هر چند تأثیری جهانی و زبان‌زد داشته باشد، نمی‌تواند در فرمانروایی مطلق مسیح شریک شود. نگرستن به کلیسای کاتولیک روم برای هدایت روحانی، به معنای دور شدن از کفایت بی‌همتای رهبری عیسی مسیح است (یعنی وابستگی به نهادهای انسانی به جای تکیه بر مسیح).

این نوشته، نه بیانیه‌ای الیهاتی، بلکه خواهشی شبانی است برای روشنگری در فضایی که سردرگمی می‌تواند جان‌های بسیاری را به گمراهی بکشانند. شما که همه چیز خود را برای انجیل به خطر انداخته‌اید، در غربت با فشارهای بی‌سابقه‌ای روبه‌رو هستید. جذابیت جهانی بودن، اشتیاق قلبی به رفع بی‌عدالتی‌های اجتماعی و ناآشنایی با تعالیم نادرست کلیسای کاتولیک روم، همگی می‌توانند ناخواسته به سازش‌هایی منجر شوند که حقیقت انجیل را تحت الشعاع قرار دهند. چنان‌که جان کالوین به درستی هشدار می‌دهد: «هر چند پاپ‌گرایان ادعا کنند، کلیسایی وجود ندارد که کلام خدا در آن آشکار نشود» (مبانی، ۴.۲.۴). به این معنا که کلیسای راستین، تنها جایی است که کلام خدا به وضوح موعظه شود. هنگامی که خادمان و سازمان‌های مسیحی، بدون تصریح تمایز بنیادین انجیل، به برجسته‌سازی آموزه‌های اجتماعی و اعمال نیک پاپ می‌پردازند، خطر بزرگی پدید می‌آید که ایمان‌داران جدید به اشتباه مسیحیت را با نهاد مرئی کلیسای کاتولیک روم یکی بدانند. تصور کنید زنی جوان که به تازگی در استانبول، پس از فرار از ایران، تعمید گرفته است، در تلویزیون ببیند که یک رهبر مسیحی پروتستان از پاپ ستایش می‌کند. بدون دریافت تعلیم درست، او ممکن است به این باور نادرست برسد که نظام کلیسای کاتولیک روم—با آیین‌ها و اعمالش و تعالیمش—راه حقیقی به سوی خداست، در حالی که هرگز نمی‌شنود که تنها عدالت مسیح، که از راه ایمان به او به انسان نسبت داده می‌شود (یعنی خدا عدالت مسیح را به ایمان‌دار هدیه می‌دهد)، امید راستین نجات اوست.

کتاب مقدس ندا می‌دهد که «ای مرد، از آنچه نیکو است، تو را اخبار نموده است؛ و خداوند از تو چه چیز را می‌طلبد غیر از اینکه انصاف را به جا آوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدای خویش با فروتنی سلوک نمایی؟» (میکاه ۶: ۸)، و ما را تشویق می‌کند که «نیکوکاری را بیاموزید و انصاف را بطلبید. مظلومان را رهایی دهید، یتیمان را دادرسی کنید، و بیوه‌زنان را حمایت نمایید» (اشعیا ۱: ۱۷). با این حال، ای عزیزان، عدالت راستین کتاب مقدسی به شخص و کار مسیح گره خورده است، «زیرا خدا



رضا بدین داد که تمامی پری در او ساکن شود، و اینکه به وساطت او همه چیز را با خود مصالحه دهد، چون که به خون صلیب وی سلامتی را پدید آورد. بلی به وسیله‌ی او، خواه آنچه بر زمین و خواه آنچه در آسمان است» (کولسیان ۱: ۱۹-۲۰). هنگامی که عدالت اجتماعی از کار رهایی بخش مسیح جدا شود، به جایگزینی پوچ برای انجیل بدل می‌شود و عدالتی دنیوی ارائه می‌دهد که نجات بخش نیست. پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ (سؤال ۲۱) به ما یادآوری می‌کند که ایمان راستین بر «رضایت، عدالت و قدوسیت کامل مسیح» استوار است (یعنی تنها مسیح می‌تواند ما را کاملاً عادل و پاک کند)، نه بر تلاش‌های انسانی، هر چند دلسوزانه و متناسب با نیازهای امروز باشند.

خطر بسیار جدی و فوری است: هنگامی که اهداف والا—حتی آن‌هایی که در ظاهر شریف و پسندیده‌اند—بر انجیل پیشی گیرند، در دل‌ها و پیام‌ها به بت‌هایی بدل می‌شوند (یعنی به جای خدا، به این اهداف وابسته می‌شویم). عدالتی که از صلیب جدا شود، به شریعت‌گرایی نوینی تبدیل می‌شود—شریعتی خودساخته که به جای رهایی، اسارت می‌آورد. جنبش‌های سکولار—حتی اگر با ظاهری مشفقانه و خیرخواهانه نمود یابند—رستگاری حقیقی عرضه نمی‌کنند؛ آن‌ها نجات را از راه تلاش انسانی وعده می‌دهند، اما تنها به کوششی بی‌ثمر و باری طاقت‌فرسا بر روح انسان منجر می‌شوند که هرگز نمی‌تواند در پیشگاه خدای قدوس او را عادل شمارد (غلاطیان ۲: ۱۶): «اما، چون که یافتیم که هیچ کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی‌شود، بلکه به ایمان به عیسای مسیح»؛ رومیان ۳: ۲۰: «از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد». حتی خدمات بشردوستانه که تحت لوای بشارت انجیل یا یاری به جفا دیدگان و آزاردیدگان کلیسا انجام می‌شوند، باید با دقت پاسداری شوند: اگر از مسیح مصلوب و قیام کرده به عنوان تنها منبع نجات غافل شویم، به گونه‌ای پنهان، انجیل فیض را با انجیلی از دستاوردهای انسانی جایگزین می‌کنیم. این انجیلی دیگر است که پولس رسول درباره‌ی آن هشدار جدی داد: «تعجب می‌کنم که بدین زودی از آن کس که شما را به فیض مسیح خوانده است، برمی‌گردید به سوی انجیلی دیگر، که (انجیل) دیگر نیست. لکن بعضی هستند که شما را مضطرب می‌سازند و می‌خواهند انجیل مسیح را تبدیل کنند. بلکه هرگاه ما هم یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنکه ما به آن بشارت دادیم به شما رساند، اناتیم باد. چنان که پیش گفتیم، الان هم باز می‌گویم، اگر کسی انجیلی غیر از آنچه پذیرفتید بیاورد، اناتیم باد» (غلاطیان ۱: ۶-۹). اولویت دادن به اقدامات اجتماعی یا ستایش نظام‌هایی که عادل‌شمردگی تنها به وسیله‌ی ایمان را انکار می‌کنند، خطر گمراه ساختن دیگران از تنها مسیر راستین نجات را به همراه دارد.

بیا باید به این حقیقت استوار و جاودان پایبند بمانیم: هیچ میزان اصلاحات اجتماعی، عدالت اقتصادی، مراقبت از محیط زیست یا اعمال نیک نمی‌تواند روحی را با خدا آشتی دهد. تنها خون مسیح، که بر صلیب ریخته شد، ما را از مجازات و قدرت گناه رهایی می‌بخشد (اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹): «زیرا می‌دانید که خریده شده‌اید... با خون گران‌بها، چون خون بره‌ی بی‌عیب و بی‌داغ، یعنی خون مسیح»؛ افسسیان ۱: ۷: «که در وی به سبب خون او فدیة، یعنی آمرزش گناهان را به اندازه‌ی دولت فیض او یافته‌ایم». تنها رستخیز مسیح است که امید ما را تضمین می‌کند و حیاتی نوین به ما عطا می‌کند (اول پطرس ۱: ۳): «مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسای مسیح که به حسب رحمت عظیم خود ما را به واسطه بر خاستن عیسای مسیح از مردگان از نو تولید نمود، برای امید زنده»؛ رومیان ۴: ۲۵: «که به سبب گناهان ما تسلیم گردید، و به سبب عادل شدن ما بر خیزانیده شد». حتی در



میانه‌ی آزار و جفا، حتی هنگامی که شفقت به‌درستی ما را به‌سوی اعمال نیک و مراقبت از همسایگان سوق می‌دهد، نباید اجازه دهیم پیام نجات تنها از طریق فیض به‌وسیله‌ی ایمان، تحت‌الشعاع فراخوان‌های فعالیت‌گرایی انسانی یا ستایش نظام‌هایی که با انجیل در تضادند، قرار گیرد. اعمال نیک، میوه‌ی ضروری انجیل‌اند که از قلبی متحول‌شده به‌وسیله‌ی فیض الاهی سرچشمه می‌گیرند، اما هرگز نباید جایگزین خود انجیل به‌عنوان ابزار نجات شوند (افسیسیان ۲: ۱۰: «زیرا که صنعت او هستیم، آفریده شده، در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آن‌ها سلوک نماییم»؛ تیتس ۳: ۵: «نه به‌سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی‌ای که از روح‌القدس است»). وفاداری نخستین ما به مسیح و انجیل اوست و پیام ما باید همواره بر او متمرکز بماند.

ای دوستان عزیز، شما که به‌خاطر نام مسیح، زندان، تبعید و از دست دادن را تحمل کرده‌اید، در این حقیقت استوار بایستید. شهادت شما نوری گران‌بها در دل تاریکی‌هاست. هنگامی که از عدالت سخن می‌گویید، عدالت صلیب را اعلام کنید؛ جایی که عدالت مسیح بر گناه چیره شد. هنگامی که به فقرا، مظلومان، آزاردیدگان و جفادیدگان خدمت می‌کنید، چون سفیران انجیل و مسیح خدمت کنید تا به جهانیان بشارت دهید که آزادی راستین تنها در مسیح یافت می‌شود. در برابر تحسین‌های جهان برای اهدافی که هرچند شریف‌اند، اما توان نجات‌بخشی ندارند، متزلزل نشوید. همان‌گونه که مزمورنویس اعلام می‌کند: «اینان ارابه‌ها را و آنان اسب‌ها را، اما ما نام یهوه خدای خود را ذکر خواهیم نمود» (مزامیر ۲۰: ۷). باشد که خدمت‌های شما بازتابی از انجیل خالص و بی‌آلایش باشد، تا هر ایرانی که صدای شما را می‌شنود، راه حیات جاودان را تنها در ایمان به مسیح بشناسد و بیابد.

چرا کلیسای کاتولیک روم انجیل را تضعیف می‌کند

فراخوان به ایمان‌داران ایرانی ریشه در ناسازگاری عمیق میان انجیل کتاب‌مقدسی و نظام نجات کلیسای کاتولیک روم دارد، نظامی که به قول جان کالوین نمی‌توان آن را کلیسای راستین دانست، زیرا دروغ بر تعلیم پاک مسیح چیره شده است (مبانی، ۴۰۲۰۱). آر. سی. اسپرول تأکید می‌کند که عادل‌شمردگی تنها به‌وسیله‌ی ایمان، «قلب حقیقت انجیل» است، اصلی که به گفته‌ی لوتر، «کلیسا یا بر آن استوار می‌ماند، و یا سقوط می‌کند»، به تعبیر کالوین، «محوری است که همه‌چیز بر آن می‌چرخد»، و به بیان جی. آی. پکر، «اطلسی است که همه‌ی تعالیم دیگر بر شانه‌هایش ایستاده‌اند». این آموزه اعلام می‌کند که نجات تنها بر پایه‌ی کتاب‌مقدس (سولا اسکریپتورا «Sola Scriptura»، یعنی کتاب‌مقدس به‌عنوان تنها منبع حقیقت الاهی)، تنها به‌وسیله‌ی ایمان (سولا فیده «Sola Fide»، یعنی ایمان به مسیح بدون وابستگی به اعمال)، تنها از طریق فیض (سولا گراتیا «Sola Gratia»، یعنی فیض رایگان خدا که بدون نیاز به تلاش انسانی عطا می‌شود)، تنها در مسیح (سولوس کریستوس «Solus Christus»، یعنی مسیح به‌عنوان تنها واسطه‌ی نجات)، و تنها برای جلال خدا (سولی دئو گلوریا «Soli Deo Gloria»، یعنی تمامی اعمال و نجات برای جلال و عظمت خداوند است) به دست می‌آید.

عادل‌شمردگی، اعلامیه‌ای الاهی است: خدا عدالت کامل مسیح را از طریق ایمان، بدون وابستگی به اعمال، به ایمان‌دار نسبت



می‌دهد (یعنی خدا عدالت مسیح را به عنوان هدیه به ایمان‌دار می‌بخشد، بدون اینکه لازم باشد او آن را کسب کند) (رومیان ۳: ۲۴-۲۱): «لکن الحال بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنان‌که تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند؛ یعنی عدالت خدا که به وسیله‌ی ایمان به عیسای مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند. زیرا که هیچ تفاوتی نیست، زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند، و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدیهای که در عیسای مسیح است»؛ دوم قرن‌تینان ۵: ۲۱: «زیرا او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم». پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ (سؤال ۶۰) تأیید می‌کند: «من تنها به وسیله‌ی ایمان راستین به عیسای مسیح در پیشگاه خدا عادل هستم... نه به واسطه‌ی شایستگی‌های خودم» (یعنی تنها ایمان به مسیح مرا در برابر خدا پذیرفتنی می‌کند، نه کارهای خوب من).

این حقیقت برای ایمان‌داران ایرانی، چون ریسمانی نجات‌بخش است که آن‌ها را از بار سنگین اعمال و ترس از هزینه‌های جفا رها می‌سازد. در تضادی آشکار، کلیسای کاتولیک روم می‌آموزد که نجات، فرآیندی است برای عادل شدن از طریق «فیض تزریق‌شده» (یعنی فیضی که به انسان داده می‌شود تا او را در درونش عادل کند)، جایی که اعمال انسانی، با توانمندسازی فیض، به عدالتی درونی و کسب‌شده می‌انجامد که به آن «عدالت ذاتی» می‌گویند (یعنی عدالت درونی که انسان با کمک فیض خدا در خود ایجاد می‌کند، برخلاف عدالت مسیح که خدا به ایمان‌دار هدیه می‌دهد) (شورای ترنت، نشست ششم، فصل ۷، قانون ۲۴). این کلیسا سنت و مرجعیت کلیسایی (یعنی اقتدار پاپ و شوراهای کلیسایی) را در کنار کتب مقدس به عنوان منابع وحی الهی بالا می‌برد (شورای واتیکان دوم، Dei Verbum، ۹-۱۰) و واسطه‌هایی مانند مریم و قدیسان را معرفی می‌کند که نقش بی‌همتای مسیح به عنوان تنها واسطه را کم‌رنگ می‌سازد (اول تیموتائوس ۲: ۵: «زیرا خدا واحد است، و در میان خدا و انسان یک متوسط است، یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد»؛ شورای ترنت، نشست بیست و دوم، قانون ۳). اسپرول تأکید می‌کند که این عدالت ذاتی، که در پرسش و پاسخ‌های مدرن کاتولیک همراه با آموزه‌های برزخ (جایی که گناهان پس از مرگ پاک می‌شوند)، آموزش‌نامه‌ها (اسنادی که گمان می‌رفت گناهان را کم می‌کنند) و خزانه‌ی شایستگی‌ها (باوری که اعمال نیک قدیسان به دیگران کمک می‌کند) تأیید شده، اساساً انجیل را انکار می‌کند، زیرا عادل‌شمردگی را بر تلاش انسانی استوار می‌سازد، نه بر عدالت نسبت داده شده‌ی مسیح. کالوین این را دروغی مرگبار می‌خواند و اعلام می‌کند: «به محض اینکه دروغ به دژ دین راه یابد... مرگ کلیسا ناگزیر فرا می‌رسد» (مبانی، ۴۰۲). تحت پاپ‌سالاری، نور تعلیم پاک سرکوب می‌شود و با «حکومتی منحرف، آمیخته با دروغ» جایگزین می‌گردد، جایی که عشای ربانی با «شنیع‌ترین کفر» (یعنی تحریف مراسم مقدس به آیینی انسانی) آلوده می‌شود و گردهمایی‌های عمومی به «مدارس بت‌پرستی و بی‌تقوایی» بدل می‌گردند (مبانی، ۴۰۲). برای ایمان‌داران ایرانی که از شریعت‌گرایی اسلام گریخته‌اند، پذیرش نظام روم، بازگشتی غم‌انگیز است، زیرا وجدان را به تلاش انسانی می‌بندد و هیچ اطمینانی از نجات ارائه نمی‌دهد. چنان‌که پولس هشدار داد: «فیض خدا را باطل نمی‌سازم، زیرا اگر عدالت به شریعت می‌بود، هرآینه مسیح عبث مرد» (غلاطیان ۲: ۲۱).

کالوین همچنین ادعای پاپ‌سالاری مبنی بر کلیسای راستین بودن را به واسطه‌ی جانشینی اسقف‌ها، که اغلب برای



مشروعیت بخشی به اقتدارش به کار می رود، درهم می شکند. او تأکید می کند که چنین جانشینی «بیهوده» است اگر حقیقت مسیح را رها کند، چنان که پاپ سالاری با پوشاندن انجیل با خرافات و اعمال بت پرستانه کرده است (مبانی، ۴.۲.۲). استناد کلیسای کاتولیک روم به کلیساهای باستانی و شهدای بی فایده است، زیرا به گفته ی کالوین، کلیسای راستین نه با اشکال بیرونی یا تبار انسانی، بلکه با حضور کلام خدا تعریف می شود: «جایی که کلام خدا آشکار نشود، کلیسایی وجود ندارد» (مبانی، ۴.۲.۴). اسپرول این را تأیید می کند و می گوید هنگامی که کلیسای کاتولیک روم در شورای ترنت سولا فیده «Sola Fide» (ایمان تنها به عنوان راه نجات) را محکوم کرد، «انجیل را انکار کرد و از کلیسایی مشروع بودن بازماند»، صرف نظر از دیگر تأییدات ارتدکس آن. ایمان داران ایرانی باید به این هشدار توجه کنند و بدانند که همسویی با تعالیم روم، خطر تأیید نظامی را دارد که به قول کالوین، «فاحشه ای پست را به جای عروس مقدس مسیح» می نشاند (مبانی، ۴.۲.۳). ادعای اقتدار پاپ سالاری، مانند خودستایی یهودیان درباره ی معبدشان با وجود بت پرستی (ارمیا ۷: ۴): «به سخنان دروغ توکل نمائید و مگویید که هیکل یهوه، هیکل یهوه، هیکل یهوه این است»، هنگامی که تعلیم کفایت بی همتای مسیح را رها می کند، پوچ است.

این حقیقت برای خدمت های ایرانی که با فشارهای خارجی روبه رو هستند، کاربردی مستقیم دارد. برخی، در اشتیاق به اهداف اجتماعی یا سیاسی، ممکن است تعالیم کلیسای کاتولیک روم را بالا ببرند، شاید در جست و جوی نفوذ گسترده تر یا وحدت. اما حقیقت کتاب مقدسی و تعالیم اصلاحات، ما را وامی دارد تا تنها بر کتب مقدس استوار بمانیم، که مسیح را تنها سر کلیسا اعلام می کند (کولسیان ۱: ۱۸) و نجات را هدیه ای می داند که از طریق ایمان دریافت می شود، نه اعمال (افسیسیان ۲: ۸-۹): «زیرا که محض فیض نجات یافته اید، به وسیله ی ایمان و این از شما نیست؛ بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند». اصلاحات، که با بازکشف سولا اسکریپتورا «Sola Scriptura» (کتاب مقدس تنها مرجع حقیقت) و سولا فیده «Sola Fide» (ایمان تنها راه نجات) توسط لوتر جرقه خورد، به ما یادآوری می کند که هیچ نظامی، هر چند پرنفوذ، نمی تواند جای کلام خدا را بگیرد. کالوین هشدار می دهد که جایی که انجیل سرکوب شود، چنان که تحت پاپ سالاری است، «کلیسا ناگزیر سقوط می کند» (مبانی، ۴.۲.۱). اسپرول هشدار می دهد که کم اهمیت جلوه دادن عادل شمردگی تنها به وسیله ی ایمان، چنان که برخی با همسویی با تعالیم کلیسای کاتولیک روم ممکن است انجام دهند، خیانت به «قلب حقیقت انجیل» است، زیرا پرسش «برای نجات یافتن چه باید کرد؟» همچنان حیاتی است و تنها عدالت نسبت داده شده ی مسیح پاسخ را ارائه می دهد. ایمان داران عزیز ایرانی، از خدمت هایی که برای اهداف دنیوی با تعالیم کلیسای کاتولیک روم همسو می شوند، پیروی نکنید، زیرا آن ها خطر مبهم ساختن وضوح انجیل را دارند. در عوض، شهادت خود را در حقیقت تغییرناپذیر کتاب مقدس ریشه دهید و کفایت مسیح را با شجاعت و محبت اعلام کنید، حتی در میان جفا. رسالت شما این است که نور انجیل را بی آلایش از برنامه های انسانی بازتاب دهید، تا همه راه زندگی ابدی را از طریق تنها ایمان بیابند.

با این حال، کالوین اذعان می کند که «آثار باقی مانده ای از کلیسا» تحت پاپ سالاری وجود دارد، مانند تعمید، که خدا با وجود فساد انسانی حفظ کرده است (مبانی، ۴.۲.۱۱). این، نظام کلیسای کاتولیک روم را تأیید نمی کند، بلکه وفاداری خدا را برجسته می سازد، چنان که او عهد خود را با اسرائیل با وجود بت پرستی آن ها نگاه داشت (حزقیال ۱۶: ۲۰). اما این بقایا، پاپ سالاری را



کلیسای راستین نمی‌سازد، زیرا به هشدار کالوین، آن «با بت‌پرستی، خرافات و تعلیم بی‌تقوا آلوده شده» و بیش از شهر مقدس خدا، به بابل شباهت دارد (مبانی، ۴.۲.۱۲). پیش‌گویی پولس که دجال در معبد خدا خواهد نشست (دوم تسالونیکیان ۲: ۴)، در پاپ کلیسای کاتولیک روم تحقق یافته، نظامی که با «تعالیم شیطنانی و مرگبار چون زهر» کلیسا را آلوده می‌کند (مبانی، ۴.۲.۱۲). برای ایمان‌داران ایرانی، این هشدار جدی است: جذابیت ظاهری کلیسای کاتولیک روم، با آیین‌ها و اظهارات اجتماعی‌اش، نظامی را پنهان می‌کند که انجیل را مدفون ساخته و جان‌ها را از نجات تنها در مسیح دور نگه می‌دارد.

این تضاد به‌وضوح در سفر زندگی و ایمانی مارتین لوتر نمایان است. لوتر، راهبی در کلیسای کاتولیک روم، از گناهانش عذاب می‌کشید و در مراسم عشاء ربانی، آمرزش‌نامه‌ها (اسنادی که گمان می‌رفت گناهان را کم می‌کنند یا مجازات آن‌ها را کاهش می‌دهند) و یا انجام زیارت‌ها آرامشی نمی‌یافت. وعده‌ی نجات از طریق اعمال پاپ‌سالاری، تنها ناامیدی او را عمیق‌تر کرد، در حالی که با عدالت خدا کشمکش داشت. اما هنگامی که «در آن عدالت خدا مکشوف می‌شود، از ایمان تا ایمان، چنان‌که مکشوف است، که عادل به ایمان زیست خواهد نمود» (رومیان ۱: ۱۷) را خواند—نور سولا فیده «Sola Fide» (تنها ایمان به‌عنوان راه نجات) درخشید و آشکار ساخت که عدالت مسیح، که تنها از طریق ایمان دریافت می‌شود، تنها امید اوست. این حقیقت او را آزاد کرد و اصلاحاتی را جرقه زد که وضوح انجیل را بازگرداند. ایمان‌داران ایرانی، که بسیاری از آن‌ها از ترس دین شریعت‌گرا گریخته‌اند، اگر با تعالیم کلیسای کاتولیک روم همسو شوند، با خطری مشابه روبه‌رو هستند. پس از یافتن آزادی در کار تمام‌شده‌ی مسیح، نباید به نظامی بازگردند که به گفته‌ی کالوین، «انجیل را سرکوب می‌کند» و «پرستش خدا را تقریباً نابود می‌سازد» (مبانی، ۴.۲.۱۲). درگیر شدن با چارچوب روم، خطر مبهم ساختن همان انجیلی را دارد که برای آن رنج کشیده‌اند. ایمان‌داران ایرانی باید ایمان و خدمت خود را تنها در کتاب مقدس (سولا اسکریپتورا «Sola Scriptura»، یعنی کتاب مقدس به‌عنوان تنها راهنمای بی‌خطا برای ایمان و عمل) ریشه دهند (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷): «تمامی کتب از الهام خداست و به‌جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است، تا مرد خدا کامل و به‌جهت هر عمل نیکو آراسته بشود». هنگامی که وسوسه می‌شوید با تعالیم اجتماعی کلیسای کاتولیک روم همسو شوید، هر پیامی را با کتاب مقدس بسنجید و بپرسید: «آیا این کار تمام‌شده‌ی مسیح را والا می‌دارد؟» در اعلان شهادت‌های عمومی خود، اعلام کنید که «محض فیض نجات یافته‌اید، به‌وسیله‌ی ایمان و این از شما نیست؛ بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ‌کس فخر نکند» (افسیسیان ۲: ۸-۹). ایمان‌داران جدید را آموزش دهید تا مسیحیت کتاب مقدسی را از کلیسای کاتولیک روم تمییز بدهند، با تأکید بر اینکه تنها خون مسیح رهایی می‌بخشد (اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹): «زیرا می‌دانید که خریده شده‌اید... با خون گران‌بها، چون خون بره‌ی بی‌عیب و بی‌داغ، یعنی خون مسیح». خدمت به فقرا، مظلومان یا جفادیدگان وظیفه‌ای مسیحی است، اما باید از صلیب سرچشمه گیرد (یعنی باید به‌خاطر ایمان به مسیح و برای جلال او باشد). چنان‌که کالوین آموخت، «جایی که کلام خدا آشکار نشود، کلیسایی وجود ندارد» (مبانی، ۴.۲.۴)، به این معنا که ایمان راستین از حقیقت آشکارشده‌ی مسیح جدایی‌ناپذیر است. اعمال نیک، میوه‌ی نجات‌اند، نه ریشه‌ی آن. در مجامع عمومی، از پولس الگو بگیرید: «زیرا که از انجیل مسیح عار ندارم، چون که قوت خداست، برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی» (رومیان ۱: ۱۶). از همسویی با نظام‌هایی که سولا فیده «Sola Fide» (ایمان تنها



به عنوان راه نجات) را انکار می کنند، بهره یزید و تنها مسیح را بالا ببرید. تاریخ، خطر انحراف الاهیاتی را به ما می آموزد. آنابپتیست ها، هر چند متدین، گاهی با اولویت دادن به اصلاحات اجتماعی، انجیل را مبهم ساختند و برخی را از سولا فیده «Sola Fide» دور کردند. امروز، برخی مسیحیان ناآگاهانه اعمال کاتولیکی را می پذیرند و نوایمانانی را که پایه ی الاهیاتی ندارند، سر درگم می کنند. این نمونه ها هوشیاری را می طلبد، زیرا «خمیرمایه اندک تمام خمیر را مخمر می سازد» (غلاطیان ۵: ۹). خدمت های ایرانی باید از این درس ها بیاموزند و اطمینان یابند که پیام شان به خطاهای کلیسای کاتولیک روم آلوده نشود.

ایمان داران عزیز ایرانی، رسالت شما اعلام انجیلی است که شما را نجات داد، بی آلایش از سنت های انسانی یا اهداف دنیوی. شما سفیران مسیح هستید که امیدی ابدی به ملتی در تاریکی می برید. بگذارید پیام تان طنین سخنان رسولان باشد: «گفتند به خداوند عیسای مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت» (اعمال رسولان ۱۶: ۳۱). عدالت شما صلیب را بازتاب دهد، شفقت تان به مسیح اشاره کند و شهادت تان بر کتب مقدس استوار باشد. فریب جذابیت کلیسای کاتولیک روم یا ستایش جهان را نخورید، زیرا تنها فیض مسیح روح را در جفا و فراتر از آن نگه می دارد. در این وعده آرام گیرید: «پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند» (رومیان ۸: ۱).

«الان او را که قادر است، که شما را از لغزش محفوظ دارد و در حضور جلال خود شما را بی عیب به فرحی عظیم قایم فرماید، یعنی خدای واحد و نجات دهنده ی ما را جلال و عظمت و توانایی و قدرت باد، الان و تا ابد الابد. آمین» (یهودا ۱: ۲۴-۲۵).

این مقاله در وبسایت [اصلاحات](#) منتشر شده است.

کشیش حمید حاتمی، بنیان گذار سازمان مسیحی مهر و مدیر بخش فارسی این سازمان، و اولین ایرانی تباری است که در کلیسای پرزبیتری آمریکا Presbyterian Church in America به عنوان کشیش، دست گذاری شده است. او پیش از تحصیل الاهیات (M.Div) در دانشگاه الاهیات Reformed Theological Seminary در دالاس-تگزاس، تحصیلات خود را در رشته های مهندسی نرم افزار، دیتا ساینس، و امنیت شبکه انجام داده و فارغ التحصیل شد. هدف او تجهیز و تعلیم خادمینی برای بنای کلیساهای وفادار به کتاب مقدس در خاورمیانه و میان فارسی زبانان است.